

## موضوع انشا: استفاده مفید از کتاب چگونه است؟!

من کتاب خواندن را دوست دارم. کتاب چیز خیلی مفیدی است. خانواده ما خیلی کتاب را دوست دارند. پدرم همیشه به من می گویند: پسرم از کتاب هایت به خوبی استفاده کن تا دکتر و پولدار شوی. پدر و مادر و برادر هم همیشه از کتابهایشان استفادههای خوب می کنند. پدرم هر وقت می خواهد ناخن هایش را بگیرد یک کتاب را زیر دستش می گذارد تا ناخن هایش روی فرش نیفتد و مادرمان دعوايش نکند. او یک کتاب هم زیر پایه کمد گذاشته تا لق نباشد و روی کلهمان نیفتد. پدرم یک کتاب مخصوص

سیما ملک مصدق

## پیش بینی چاهکارهای راهبردی اسرائیل در ادامه جنگ

در پی خبر درز مکرر اطلاعات بسیار محرمانه امنیتی از دفتر نتانیاهو و دستگیری ۱۲ نفر از نزدیکانش از جمله مشاور او، صهیونیست‌ها انتقال اسناد و اطلاعات از راه‌های الکترونیکی را متوقف کردند و در روش جدید، اطلاعات درون پاکت و به وسیله عامل انسانی و حیوانی (همان چاپار خودمان) منتقل خواهد شد. پیش‌بینی کارشناسان در مورد ضرب‌های دیگری که ممکن است منجر به رو آوردن به چاهکارهای (راهکار شاکه‌کاری که از اعماق زمین استخراج می‌شود) نو و ابتکاری شود عبارت است از:

- ۱- هک شدن دیتابیس تاکسی‌های اینترنتی و شرکت اتوبوسرانی که باعث می‌شود در روش جدید، دولت به استقرار تعداد زیادی درشکه و قاطر در سطح شهرها اقدام کند تا مردم را از مبدأ به مقصد برسانند.
- ۲- نفوذ در تلویزیون رسمی که باعث خواهد شد مجریان تلویزیون صبح به صبح، در تمام خانه‌های محل را بزنند و اخبار را به صورت چهره به چهره به اشخاص بگویند. (رو آوردن به روزنامه و گذاشتن آن لای در، قبل از پیش‌نهاد و رد شده، چون ممکن است عوامل حزب الله پشت سر مأمور پست قلم شده و روزنامه اصلی را با تقلبی عوض کرده و با اخبار کذب، آرامش روانی جامعه را سلب کنند)
- ۳- هک سیستم‌های اداری گنبد آهنین که پیش از این، در وعده صادق ۲ هم اتفاق افتاد. در صورت تکرار این اتفاق در آینده، دولت صهیونیست قصد دارد راهکار شبکه‌سازی بین پناهگاه‌ها و اساسا تأسیس یک شهرک زیرزمینی بزرگ مجهز به توال، حمام و طویله را بیاماید. (استفاده از طویله به جهت بهره‌برداری توسط چاپارها و در شبکه‌هایی است که در ابتدای متن به آن اشاره شد. استفاده‌های دیگر توهین به جایگاه طویله است.) پیش‌بینی‌ها حکایت از این دارد که صهیونیست‌ها به صورت تدریجی به زندگی دائمی در طبقه منفی یک، بدون پارکینگ و پاسیو با توال مشاع راضی شوند.
- ۴- با توجه به اشرف سنسنگین اطلاعاتی نیروهای حزب‌الله که باعث شده محل زندگی، جلسات، ناهار، قضای حاجت و... نتانیاهو نیز افشا شود، پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که نظامیان صهیونیست به جای استفاده از بیسیم در نقاط صفر درگیری که امکان شنود دارد، از زنگوله آویخته شده به گردن‌شان استفاده کنند تا با ایجاد آلودگی صوتی امکان شنود ارتباطی از بین رفته و نشن اطلاعات به صفر برسد. از نظر کارشناسان، بازگشت به روش ارتباطی با دود که توسط سرخپوستان استفاده می‌شد نیز محتمل است.

امیر بزادی

## کاغذ

از بانک و خانه تا دکان کل‌پز کاغذ...  
دارد حکومت می‌کند با هر غرض کاغذ آواره کرده، حبس برده، کشته مظلومی از جنبه‌های مختلف دارد مرض کاغذ بایای کل پادشاهان را در آورده عشقش کشیده هر زمان، خواننده رجز کاغذ گاهی فضولی می‌کند در نامه مردم با حرف‌های عاشقانه کرده حظ، کاغذ تا «حرف حق را می‌رود گویند به آن مسؤل» تا می‌کنندش با دولا، در جیب خز کاغذ گاهی مجاله، تکه‌تکه، گاه می‌سوزد! ساکت نمی‌ماند کماکان، در عوض کاغذ... او طرح شفافیتش را می‌برد مجلس شفافیت اما کدورت دارد از کاغذ حق مشما را مقوا می‌خورد شفاف آن روز بر تن می‌کند سوهان و گز کاغذ

سما شرفی

## هفته شپور

محل تمرین تیم فوتبال رژیم صهیونیستی در فرانسه محرمانه شد. کجا باید بروم که دنبال لونه موش نباشم...؟!

معاون حقوقی رئیس‌جمهور: فیلترشکن فروش‌ها با تمام توان جلوی رفع فیلترشکن ایستادند. دولت وفاق دلش اندازه گنجشکه، نمی‌تونه نون فیلترشکن فروش‌های بیچاره رو اجر کنه.

## پاتوفش شاعرها

محمد صبوریان: عهده خزانگی  
گفته دولت: زود برق شما بار دگر به‌جز از امشب و فردا شب و شب‌های دگر

دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما برق‌ها رفت و دوباره سوی مسجد بازگشت

میله حبیبی

درد که همیشه کنار دستش می‌گذارد و مگس‌ها و پشه‌هایی که نمی‌تواند با اسپری و مگس‌کش بکشد با آن بکشد. مادرمان هم کتاب‌های زیادی دارد. اسم چند تا از کتاب‌هایش اینها هستند. خیاطی حرفه‌ای در ۳۰ ثانیه، آشپزی به روش خاله امیلی، گلدوزی مبتدی، رازهای همسر داری و چگونه تا قیامت زیبا بمانیم.

مادرم از بیشتر این کتاب‌ها در آشپزخانه استفاده می‌کند. کتاب‌های کوچک‌تر را زیر قابلمه غذا می‌گذارد تا فرش نسوزد. کتاب‌های بزرگ‌تر را هم زیر پایش می‌گذارد تا دستش به بالای کابینت برسد. کتاب‌های رنگی و نو و خارجی را هم با فرش و پرده‌ها ست کرده و روی طاقچه چیده تا به زن عمو پز بدهد. برادرم امسال کنکور دارد. پدرم یک عالمه کتاب برای او خریده است. او بیشتر کتاب‌های علمی می‌خواند. کتاب‌های کنکور برادرم اسم‌های عجیبی دارند. دور دنیا در چند دقیقه، سیر تا پیاز خیلی نارنجی، بادمجان قلمی کاج و کتاب‌های کلم چی. پدرم خیلی به برادرم افتخار می‌کند. او به من می‌گوید: پسرم، برادرت حتی اگر دکتر هم نشود میوه‌فروش خوبی می‌شود. من هم مانند خانواده‌ام از کتاب‌هایم خیلی خوب استفاده می‌کنم تا نمره‌های خوبی بگیرم و خانواده‌ام را شاد کنم. مثلا بعضی صفحه‌هایش را که معلم‌مان گفته بود از آن جا در امتحان نمی‌آید را کندم و قیف درست کردم و اجیل ریختم تا بخورم و باهوش بشوم. یا مثلا با کاغذهای دیکرش موشک علمی درست کردم و سر جلسه امتحان برای دوستم پرت کردم تا او هم نمره خوبی بگیرد و دکتر بشود و دل پدرش را شاد کند.

# هرگز نشه فراموش...

وقتی که همه کارا رو سپرده بودم دست ماشین لباسشویی و ظرفشویی!!  
بهزاد: بابا دو دقیقه دستت رو از روی کنکور بردار ببینیم دنیای بابرقی چه شکلیه!  
کامران خان: دلم خنک شد برقا رفت حداقل دو ساعت کمتر بورس قرمز رنگ رو می‌بینم.  
فهمیم هستم: آقا برای شما هم وقتی برقا میرن اینترنت هم قطع میشه؟

سی‌سی: (به فهمیه هستم پاسخ داد) نه اینترنت ما جلد خونه‌مون شده. نترس نت‌تون راه رو بلد نیست میره دنبال برقا می‌گرده.  
ماه امیدوار: الان چه کسی پاسخگوی هابوی ناز منه که پهو توی حمام آب یخ زد و سایاجانم یخ زد؟

ماهان: پروازها چرا لغو میشن مگه هواپیماها برقرین؟!  
شینا: بچه‌ها کسی می‌دونه چطور می‌تونم از ماشین‌های برقی، برق بکشم؟  
جوجوفندرسکی: من بفهمم کی تو منطقه ما برقا رو قطع کرده میگم بادیداردم بفروشتش بالای دکل خودش نقش ژنراتور برق رو بازی کنه.  
اریان افراشته: از دولت مجرم آخه برقامون که رفت اداره مامانم زود تعطیل شد اومد خونه گفت اگر برقا بیان هم فایده نداره چون نمی‌ارزه دوباره کامپیوترشو روشن کنه.

محمد شریف: ایفون و رجیستری را رها کرده و به روزی دوساعت بی‌برقی گیر داده‌اید؟ دلواپس نباشید برق هم در رفت و آمد است. این ایفون است که می‌ماند. دولت فقط به فکر رفاه مردم است.  
مزون آشفته: بچه‌ها کسی می‌دونه سوختگی با سولاریوم رو چطور خوب می‌کنن؟ زنجیاجو ما توی دستگاه بود که برقا قطع و وصل شدن دستگاه اتصالی کرد الان بدنش مشکلی زغالی شده، هر چندر هم بهش می‌گم بهت میاد و زیبا شدی گوش نمیده فقط گریه می‌کنه. شوهر عمه: چه خوب شد که برقا رو می‌پرون حداقل ۲ ساعت



## برقا کجارتفتن؟

طوبی عظیمی‌نژاد

خاموشی منظم و مرتب در سراسر کشور برقرار می‌شود. در پی انتشار این خبر مردم همیشه در صحنه طنز کشورمان واکنش نشان دادند که چند مورد را در ادامه می‌خوانیم:  
بابا برقی: آخ جون داشتم به فراموشی سپرده می‌شدم. همه با هم بگیرد هان چی نشه فراموش؟  
فرامرز: فیلترینگ رو که دست نزدیک لاقال به برق‌مون دست نزنید، کنترشو پس نزنید!  
حسن: عه! برقامون صبح جمعه رفت. اونم درست

خاموشی‌ها دوباره در سراسر کشور راه می‌افتد؛ روزی دو ساعت در کل کشور. بالا ولم کن در ادامه گفت: عوض فضای پاییز رو واستون شاعرانه کردم، با گوشی اپل‌تون یک پست رمانتیک بنذارید عمو ببینه.

محمدعلی الجوفی: بهتر بود کشورهایی که در اجلاس ریاض شرکت کردند، اسرائیل را در لیست دشمن تروریستی خود قرار می‌دادند. داداش توقعی داریا! پس کی نقش فعال سبب‌زمینی را در جامعه بین‌الملل ایفا کنه.

مدیرکل آژانس انرژی اتمی: رسیدن به راهکارهای دیپلماتیک با ایران ضروری است. جمهوری اسلامی در ادامه گفت: کی بهت گفته این رو بگی عمو...

رژیم صهیونیستی بشار اسد را تهدید به ترور کرد. در واکنش به این خبر سازمان ملل همچنان به در نگاه می‌کند و به کتف مبارک هم نمی‌گیرد.

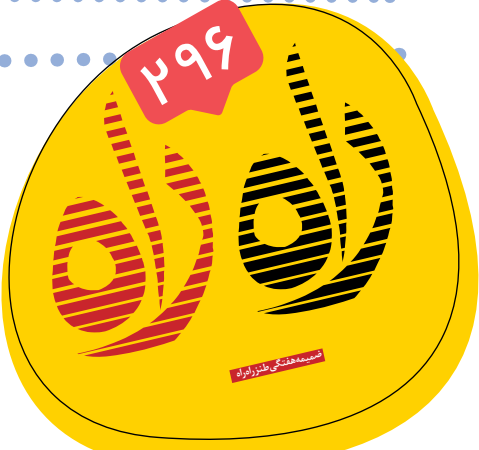
## حساب‌کتاب

سر به سر پیچ و تاب می‌بینی خواندندم را عذاب می‌بینی من تو را می‌برم به بیداری تو مرا قرص خواب می‌بینی رنگ‌هایم اگر نباشد ست خانقات را خراب می‌بینی قابل انتخابم و تو مرا با من از بند می‌شوی آزاد باطنم را طناب می‌بینی؟ تو خودم را حباب می‌بینی از چه رو نقش ثابت من را پاک نقش بر آب می‌بینی پرشست را بپرس از خود من تو کجا را جواب می‌بینی؟ کاش می‌شد زمن بیاموزی کی مرا پس کتاب می‌بینی

## اخراج‌نامه!

از: بچه‌های بالای سازمان ملل به: نتانیاهو بچه کف اسرائیل احتراماً، با توجه به اینکه شما افسار خود را گسیخته و ما را بیچاره کرده‌اید و کار دارد به جاهای باریک می‌کشد، خیلی از کشورها ما را مجبور می‌کنند شما را از سازمان ملل اخراج کنیم. البته خودمان می‌دانیم سازمان ملل برای شما به اندازه پشم گوسفندان بیلاقی هم ارزش ندارد. به هر حال اسرائیلی گفتند، خونخواری گفتند. خواستیم بگوییم که اگر یکبار مجبور شدیم شما را اخراج کنیم ناراحت نشوید و بگذارید در این سازمان عریض و طویل‌مان لاقال ۲ نفر زنده بمانند که برای اقدامات شما اظهار نگرانی کنند. خودتان می‌دانید که اگر اخراج هم شوید هیچ خللی در کار شما پیش نمی‌آید حتی برای کشتن کودکان عذاب وجدان نداشته‌تان مورورش هم نمی‌شود پس نگران نباشید. شما هم می‌توانید بگویید ما هم سازمان ملل را قبول نداریم! اینطور نه چک می‌زنیم و نه چونه اسرائیل می‌ره تو لونه و خلاص! شما مشغول کشت و کشتار خودتان باشید! فقط بدانید سازمان ملل چیزی نیست، مواظب باشید ایران کلا خودتان و سرزمین خیالی‌تان را از این کره خاکی غیب کنید.

مخلص شما، نگران‌ترین سازمان جهان



گوشی رو بذاریم کنار بباییم با خانواده آشنا بشیم. نرس: یه سپره رو آورده بودن ازش عکس رادیولوژی بگیرن چون کمزش درد می‌کرد دستگاه مریض رو برد تو که برقا رفت. وسط دستگاه گیر کرده بود نه راه پس داشت نه راه پیش؛ ۲ ساعت تو دستگاه موند تا برقا اومدن حالا کلا نمی‌تونه راه بره فعلا هم رفت دکتر قلب آخه همش می‌گفت قلبم تیر می‌کشه انقدر دست و پا زد که فکر کنم چند کیلو کم کرد، لاغری فوری و تضمینی خواستین بیاید بیمارستان ما.

انصاری‌فر: غر زنید بابا! در عوض هواپیمای پزشکیان خیلی قشنگ فرود اومد. زیبا شادی: من جهیزیه‌ام کامل و آماده است حتی موتور برق هم خریدم هر کی شرایط عالی داره بیاد جلو. برق‌نورد: من دوتا دبه پلاستیکی برق برداشته بودم برای روز مبادا الان گوشیم رو زدم شارژ بشه شما برای آینده‌تون چه تدبیری اندیشیده‌اید؟ کتی: می‌خوام بدم استخرمون رو مثل حمام شیخ بهایی درست کنن البته چون بزرگه و با شمع گرم نمی‌شه میدم لوله گاز بکشن که جوابگوی ۵ هزار مترش باشه. کسی معمار آشنا سراغ نداره؟ خواهر مریم: من امروز خودم دیدم کامیون کامیون برق رو دارن می‌فرستن برای افغانستان و پاکستان. قاچاق می‌کنن برای همینه که ایرانی‌ها برق ندارند. روی کامیون نوشته بود خطر. هر جا دیدینش جلوشو بگیرد تا از قاچاق برق جلوگیری کنیم. شیرین: ( به خواهر مریم پاسخ داد): آخه شیرین عقل، مگه برق رو با کامیون میرسن؟ اونجوری کافیه یکی بهش بماله برق می‌کشتن که! برق رو با بشکه عایق کاری شده می‌دزدن که از بیرون هیچی مشخص نباشه راحت‌تر هم جاسازش می‌کنن.



فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم برق را سهمیه‌بندی کنم آرام آرام

به ملازمان سلطان، که رساند این دعا را؟ که دوباره رفته برق و همه وسایلم سوخت

عزیزا ما گرفتار دو دردم یک قطعی برق و دیگری قبض

میرحسین گلکان

پنجشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲  
وطن امروز | شماره ۴۱۸۰

## طنز

از: نتانیاهو بچه کف اسرائیل به: بچه‌های بالای سازمان ملل در جواب به نامه شما باید بگویم «خطرنشان کنم و خلاصه بگویم «خیلی پررو شدید» به حدی که به ما می‌گویید بچه کف اسرائیل؟! درست است که ما از ۲۴ ساعت ۲۵ ساعت در پناهگاه هستیم اما این که دلیل نمی‌شود! تقصیر شما نیست تقصیر ماست که یکی از موشک‌ها را به سمت سازمان ملل روانه نمی‌کنیم تا حساب کار دست‌تان بیاید. معلوم است که شما را قبول نداریم. به همین سوراخ‌موشی که راه نفس هم ندارد قسم که وقتی نامه‌تان را خواندم می‌خواستیم یک موشک بفرستیم بالای سرتان اما تا دیدم خودتان فهمیده‌اید که سازمان‌تان را قبول نداریم کمی آرام شدم و به بچه‌ها گفتم دست نگه دارند! از وقتی ایران یکی دو بار آسمان‌مان را ستاره باران کرده شما هم دور برداشدید. ما اگر بخواهیم نابود شویم از سر لچ هم که شده شما را اول نابود می‌کنیم تا حداقل دل‌مان قبل از مرگ خنک شود. پس الکی دور برندارید و نابود می‌شوید نابود می‌شوید هم نکنید. با اینکه خیلی عصبانی هستم ولی باز هم دکمه موشک را نمی‌زنم. خلاصه حواس‌تان باشد. نتانیاهوی دراکولا

## طوبی عظیمی‌نژاد

### انواع دوختن

آیا تا به حال از دوختن یک چیز به چیزی دیگر متعجب شده‌اید؟ پس این متن را از دست ندهید تا شاخ را بر سرتان بدوزیم!  
انواع مختلفی دوخت وجود دارد که با هم انواع آن را می‌خوانیم. با دوخت لباس شروع کنیم که همه از چند و چون و کیفیت آن خبر دارید و فرایند آن را می‌دانید. صنعتی یا سنتی بودن چرخ‌خیاطی هم فرق زیادی ندارد.  
یک مدل دوختن هم داریم که معمولاً در جر و بحث‌ها و دعواها شکل می‌گیرد و آن هم دوختن دهان طرف مقابل است. در این مورد هر کدام از طرفین حاضر جواب‌تر باشند سریع‌تر دهان طرف مقابل را می‌دوزند!  
مدل دیگر دوختن هم مربوط می‌شود به مسائل خانوادگی و شوهر و مادرشوهر و مادرزن که به نفع‌مان است وارد این مقوله نشویم، چرا که نویسنده بنیان خانواده‌اش را دوست دارد.  
اما!!! آن چیزی که ما را ترغیب کرد تا متنی بنویسیم و شما را از این بی‌خبری برهانیم، دوختن سر به بدن است!  
تعجب کردید؟ حق دارید!  
شاید باورتان نشود در همین ایران خودمان همین جایی که قبلاً داشتن یک بیمارستان درست و درمان یا دکتری ایرانی آرزوی هر کسی بود، حالا دکترهایی دارند طبابت می‌کنند که سر را هم به بدن می‌دوزند!  
تابستان سال ۱۴۰۲ مردی ۲۸ساله را به بیمارستان می‌آورد که نای و رگ‌های اصلی گردنش بریده شده بود. با اینکه فاصله چندانی تا سفر آخرت نداشت و حتی می‌شود بگوییم یک پایش در آن عالم و پای دیگری هم بین این طرف و آن طرف روی خط پایان مانده بود، در اقدامی سریع‌السير به بیمارستان رسیده و پزشکان مانند عقاب بالای سرش آمدند. سوزن‌ها را نخ کردند و شروع کردند به دوخت و دوز!  
لا بد می‌رسید در مدت عمل بیبوند، قلبش را با پمپ قلبی زنده نگه داشته‌اند؟ که باید بگویم خیر! پزشکان با استفاده از شانت‌های نگهدارنده (تولید بومی) قلب بیمار را زنده و تپنده نگه داشتند تا بتوانند با خیال راحت رگ‌هایش را با دوخت دندان موشی سفت کنند و گره آخر را بزنند تا هم‌خودشان نفس راحتی بکشند هم بیمار سربریده! اینکه شانت‌های نگهدارنده، آن هم از نوع تولید بومی چه چیزی است و چگونه عمل می‌کند را نمی‌دانم.

## ضمیمه طنز راه راه کاری

دبیر سرویس نشر: طوبی عظیمی‌نژاد  
دبیر سرویس شعر: محمد صبوریان  
دبیر سرویس کارتون: سعید محمدجواد طاهری  
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی:  
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!

سیدمحمدحسینی